



دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲

## ارتباط ژن با خشونت‌های سایبری در فضای مجازی و نقض حقوق و کرامت انسانی اشخاص با تأکید بر خشونت‌های آنلاین بر علیه زنان و دختران

شهرروز دربندی\*<sup>۱</sup>، سجاد صنعت‌جو<sup>۲</sup>، مائده دقیقی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، گروه علوم انسانی، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.  
۲. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، گروه علوم انسانی، واحد بین‌الملل قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.  
۳. دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، گروه علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### چکیده

حقوق بشر بیانگر حقوق و آزادی‌هایی است که بر کرامت انسانی افراد در هر جامعه، تأکید دارد و اینترنت نیز دانشی نوین جهت ارسال، پردازش، دسترسی و نشر اطلاعات با سرعتی فراوان است که گستره‌های بی‌پایان را برای بشریت به ارمغان آورده است. بستر اینترنت گاه خود محلی برای نقض حقوق بشری و تخطی از ارزش‌های اخلاقی و انسانی می‌شود. یکی از آشکارترین آن‌ها مقوله خشونت سایبری یا خشونت آنلاین علی‌الخصوص بر علیه زنان و دختران است که این موضوع منزلت و جایگاه زن را به چالش می‌کشد. حق بر آزادی بیان و حق بر خلوت دو رکن اساسی ضمانت‌بخش در راستای مقابله با خشونت علیه زنان به‌شمار می‌آیند. پژوهش حاضر براساس روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه اسناد و منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است و در این راستا، با مطالعه اسناد بین‌المللی، با هدف کاربردی، اطلاعات به‌دست‌آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مقابله با خشونت سایبری در سطح پیشگیری، تعقیب و مجازات از وظایف بدیهی دولت‌ها مطابق با اسناد حقوق بشری است. یکی از مشکلات پیش روی دولت‌ها در این زمینه فراسرزمینی بودن جرائم سایبری و محدودیت صلاحیتی دولت‌ها در رسیدگی به این جرائم است. محتمل است که رفتار برخی از مجرمان یا بخشی از رفتار آن‌ها با سطح کورتیژول موجود در بدن آن‌ها مرتبط باشد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۵-۸۶

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۷۰۱۰-۹۶۹۱-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۲۰۱۹۱۱۳۶۴

ایمیل: shahrooz\_d@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

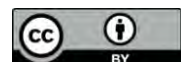
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

فضای سایبر، خشونت در فضای مجازی، حقوق بشر، مقابله با خشونت علیه دختران و زنان در فضای مجازی، متغیر ژنتیکی - اجتماعی.



## مقدمه

میلاادی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز، دولت‌ها بر اساس تعهدات حقوق بشری خود درخصوص تضمین امنیت زنان در فضای سایبر، به اتخاذ تدابیری موظفند که ضمن آن، موازین حقوق بشری کاربردی در فضای برخط تضمین شود.<sup>۳</sup> قربانی در فضای سایبری می‌تواند از هر گروه سنی، جنسیتی، اخلاقی و دارای تمایلات جنسی یا اجتماعی باشد. این نوع خشونت‌های سایبری را می‌توان در بخش‌های شناخته‌شده فضای سایبری، وب‌گاه‌های رسانه‌ای اجتماعی، محل تبادل نظرات، اتاق‌های گفتگو و صفحات وب ایندکس شده که در موتورهای جستجوی متعارف هستند، یافت نمود. همچنین در دارک‌نت‌ها<sup>۴</sup> نیز دیده می‌شوند که به معنای جایی از یک جهان رمزگذاری شده برای ارائه خدمات مخفی بوده و کاربران در آن قابل جستجو و شناسایی نیستند.<sup>۵</sup> هدف این تحقیق این است که پتانسیل‌های توصیفی این رفتارها به نمایش درآیند، به‌ویژه فراساختارهایی مانند متغیر زیست‌شناسی<sup>۶</sup> و زندگی‌نامه روانکاوانه<sup>۷</sup> که در مفهوم‌سازی خشونت‌های سایبری و برای ساختار مدل انعطاف‌پذیر هستی‌شناسانه جرائم سایبری به کار رفته و ممکن است برای پیش‌بینی ارتکاب این رفتارها به کار آیند. یک فراساختار ویژه دیگر از این چارچوب که نقشی اساسی دارد، مفهوم عاملیت - نوروں است. این یک واژه جدید است که استفاده از آن به‌جای واژه عامل (مرتکب) ارجحیت دارد، زیرا به نقش نوروں‌ها در اراده انسانی توجه می‌کند. برای آنکه جرائم سایبری را از دریچه متغیر ژنتیکی - اجتماعی و زندگی‌نامه روانکاوانه تعیین وراثت، بررسی کنیم ابتدا در خصوص نقش ژن‌های 13CDH و MAO-A در رفتارهای خشونت‌آمیز صحبت و در ادامه به نقش اختلال رفتاری شخصیتی ضداجتماعی پرداخته و سپس نقش هورمون کورتیزول (هورمون استرس) در رفتارهای خشونت‌آمیز را بررسی خواهیم

ویژگی‌های خاص فضای سایبر، نبود مرزهای سرزمینی، گمنام‌بودن کاربران و جهان‌شمولی شرایطی را به‌وجود آورده است که هنجارشکنان تهدیداتی را متوجه کاربران کنند، علی‌الخصوص ایراد خشونت علیه زنان و دختران را بر فضای برخط (آنلاین) نشانه می‌گیرند (مشهدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۱). خشونت کلامی، اقتصادی، فضای مجازی و دیگر خشونت‌ها از مواردی هستند که به افراد جامعه مخصوصاً زنان لطامات بیشتری می‌زند، زیرا یا قوانین حمایتی در آن ناکارآمد است یا چهره‌های نامرئی در آن دخیل هستند. پدیده خشونت علیه زنان، چه در محیط خانواده و چه در سطح جامعه، نه تنها امری غیرقابل انکار، بلکه در حال رشد به نظر می‌رسد. سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان را چنین تعریف کرده است: هر نوع عمل خشونت‌آمیزی است که بر اختلاف جنسیت مبتنی باشد و به آسیب یا رنج بدنی، جنسی یا روانی علیه زنان بیانجامد یا احتمال منجر شدن آن به این نوع آسیب‌ها و رنج‌ها وجود داشته باشد، مانند تهدید به زورگویی یا محروم‌سازی (کهزادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۳۱). در تاریخ ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۱۵ میلادی، اتحادیه بین‌المللی مخابرات<sup>۱</sup> که یکی از آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد است، گزارشی تحت عنوان «خشونت‌های سایبری علیه زنان و دختران: همه جهان هشیار باشد» انتشار داد. در این گزارش تعریفی از «خشونت‌های سایبری» در زمینه «جرم ترولینگ آنلاین» و «نفرت‌پراکنی آنلاین» ارائه شد که مشخصاً زنان و دختران را هدف قرار می‌دهد. در این گزارش آمده است که لازم است خشونت‌های سایبری را در ابعادی گسترده‌تر مفهوم‌سازی کنیم. جرائم سایبری رفتارهایی هستند که به‌صورت آنلاین از سوی مرتکب انجام شده و رفتاری خصومت‌آمیز و متجاوزکارانه به‌همراه داشته و همچنین می‌تواند به‌صورت بزه‌کارانه، ناشایست و مستهجن و یا ویژگی تهدیدکنندگی داشته باشد. شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در دو قطعنامه، از دولت‌ها درخواست کرد فارغ از مرزهای سایبری و ابزار اینترنتی به‌کاررفته، همان حقوقی را که در فضای آفلاین برای زنان شناخته شده است، در فضای آنلاین رعایت کنند.<sup>۲</sup> در قطعنامه سال ۲۰۱۸

<sup>۳</sup> - HCR; Report of the Special Rapporteur on the Right to Privacy; 28 February 2018, A/HCR/37/62.

<sup>۴</sup> - Dark Net

<sup>۵</sup> - دارک‌نت یک شبکه ایزوله است، به اصطلاح بخشی پنهان از اینترنت که با استفاده از یک مرورگر معمولی نمی‌توانید به آن دسترسی پیدا کنید. از آنجایی که استفاده‌کنندگان دارک‌نت در یک شبکه همتا به همتا یا به اختصار P2P، از طریق اتصالات رمزگذاری شده دستی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، از خدماتی استفاده می‌کنند که به‌عنوان سرویس‌های مخفی شناخته می‌شوند.

<sup>۶</sup> - واژه متغیر زیست‌شناسی به مستنداتی از ژنتیک‌های رفتاری و علم عصب‌شناسی، برای حداقل بخشی از مبانی بیولوژیکی برخی رفتارهای انسانی اشاره دارد.

<sup>۷</sup> - روان‌شناسی روانکاوانه به جنبه‌های منحصربه‌فرد و اجتماعی شخصی مانند تمایلات به میراث برده اشاره دارد.

<sup>۱</sup> - ITU

<sup>۲</sup> - HRC; Promotion and protection of all human rights, Civil, Political, Economic, Social and Cultural Rights, Including the right to Development; 29 June 2012, A/HRC/20/L.13.

سولر تصمیم گرفت که مهارگسیختگی را رفتاری افشاگرانه از لایه‌های زیرین خود واقعی نداند، بلکه آن را این‌طور تعریف کند که تغییر جهتی است به‌سوی یک گروه شخصیتی درون ساختاری که خود مجموعه‌ای از اثرات و شناخت را دربر می‌گیرد که با شخصیت درون فرد متفاوت است. این تأثیر مهارگسیختگی ممکن است در موقعیت‌هایی که افراد با جهان تاریک زیرزمینی اینترنت، فضایی مملو از موضوعات جنسی، جرم و خشونت که هرگز در جهان واقعی قابل دسترسی نیست، روبه‌رو شوند، خود را به شکل یک مهارگسیختگی سمی نشان دهند. مطالعات نشان از وجود ارتباطی میان مهارگسیختگی و اختلال قشر پیشین حدهای<sup>۲</sup> دارند که می‌تواند با مصرف کاربامازپین<sup>۳</sup> با موفقیت درمان شود. این دارو معمولاً برای درمان صرع، دردهای نوروپاتی و اختلال دوقطبی به‌کار می‌رود. این ماده در درمان اسکیزوفرنی همراه با سایر داروها و به‌عنوان عامل خط دوم در اختلال دوقطبی استفاده می‌شود.

محققین به‌تازگی به موضوع ترولینگ پرداخته‌اند و متوجه شدند که ارتباطات کلی و مثبت قدرتمندی میان تناوب ارائه بازخوردهای آنلاین، مشارکت در ترولینگ<sup>۴</sup> و هویت ترول‌گونه وجود دارد که نشان از آن دارد که چنین اقداماتی، دارای ساختارهای زیربنایی مشترکی هستند. هر دو این مطالعات نشان دادند که الگوهای مشترکی در رابطه میان ترولینگ و صفات تیره شخصیتی وجود دارند. ترولینگ ارتباط مثبتی با سادیسزم (نوعی اختلال شخصیتی)، امراض روانی و بیماری ماکیاوول‌گرایی دارد (یک ویژگی شخصیتی که با نگرش محاسبه‌گر نسبت به روابط انسانی و اعتقاد به اینکه هدف وسیله را توجیه می‌کند، هرچند بی‌پروا، مشخص می‌شود. ماکیاولیستی کسی است که دیگران را کم‌وبیش به‌عنوان اشیایی می‌بیند که باید برای پیشبرد اهدافشان، در صورت لزوم از طریق فریب عمدی، دستکاری شوند<sup>۵</sup>). به نظر می‌رسد که

کرد و درنهایت از ارتباط میان قشر پیش‌پیشانی تکامل نیافته در نوجوانان با رفتارهای تکانشی که ممکن است به خشونت منجر شود، سخن می‌گوییم. رویکرد این تحقیق یک رویکرد میان‌رشته‌ای است که به‌مثابه جعبه ابزاری است که نظریه جرم‌شناسی، نظریه جامعه‌شناسی، فلسفه هایدگر، ژنتیک‌شناسی رفتاری، علم عصب‌شناسی اراده و روان‌شناسی تکاملی را در خود جمع می‌کند.

## ۱- ارتباط ژن با رفتارهای خشونت‌آمیز در فضای سایبری و احتمال پیش‌بینی آن

با افزایش دسترسی افراد به فضای سایبری خشونت نه تنها در جهان، بلکه در دنیای مجازی نیز افزایش یافته و در مقابل از دامنه روابط فیزیکی کاسته است. طبق مطالعاتی که جان سولر<sup>۱</sup> (روان‌شناس استرالیایی) در سال ۲۰۰۴ در خصوص رفتار افرادی که در اتاق‌های گفتگوی آنلاین مشغول صحبت بودند، انجام داد، متوجه شد که آن‌ها در مقایسه با هنگامی که آفلاین بودند، تمایل بیشتری به نشان دادن خشم و رفتارهای خشونت‌آمیز در فضای سایبری دارند. وی معتقد است هنگامی که افراد در پشت صفحه مانیتور پنهان شده‌اند، احساس می‌کنند که هنجارها، مسؤولیت‌ها و محدودیت‌های اجتماعی جهان دیگر در خصوص آنان اعمال نمی‌شود. ناشناس ماندن، چه واقعی بوده یا به‌صورت مجازی ایجاد شود، ممکن است که برای افراد این فرصت را فراهم کند که هویت پنهان خود را کشف کنند و ممکن است به آن‌ها اجازه دهد که ترسی از رفتارهای خود نداشته باشند، زیرا ممکن است در این قلمرو، هنجارها و مسؤولیت‌ها و همچنین محدودیت‌های اجتماعی وجود نداشته باشند. سولر نام این رخداد را «تأثیر مهارگسیختگی آنلاین» گذاشت. او شش عامل را که با یکدیگر در تعامل هستند تا این تأثیر را ایجاد کنند را مورد بررسی قرار داد که عبارت‌اند از: ناشناس ماندن با جداسدن از هویت، غیرقابل مشاهده بودن، غیرهم‌زمانی، درون‌فکنی خودباورانه، تصویرآفرینی جداشده از هویت و حداقل‌گرایی اختیارات. در خصوص ورود زنان به فضای سایبر دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه نخست نشان می‌دهد که زنان از فضای سایبر سود می‌برند و تکنولوژی زنان را قدرتمند می‌کند؛ براساس دیدگاه دوم این تکنولوژی منجر به سوءاستفاده از زنان شده است (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

<sup>۲</sup>- ارتباط عملکردی مختل قشر حدهای پیشانی با دیگر نواحی مغز و ارتباط آن با شاخص‌های دیگر می‌تواند تبیین‌کننده بخش مهمی از آسیب‌شناسی عصبی باشد.

<sup>۳</sup>- Carbamazepine

<sup>۴</sup>- ترولینگ یک تندنویسی است که هر رفتار تهدیدآمیز آنلاین را به نمایش می‌گذارد.

<sup>۵</sup>- انجمن روان‌شناسی آمریکا با APA.

<sup>۱</sup>- John Sweller

میان اختلال شخصیتی ضداجتماعی در DSM-V<sup>۱</sup> و فعالیت ترولینگ مشابهتهایی وجود دارد.<sup>۲</sup> برای پلیس و سایر مراجع انتظامی آسان تر خواهد بود که بدانند در استناد به مبانی عینی، چگونه رسیدگی‌های کیفی را اولویت‌بندی کنند. گام مهم بعدی پاسخ به این پرسش است که چرا برخی از فعال‌ترین نفرت‌پراکنان دست به چنین کاری می‌زنند. در ارتباط با ترولر نفرت‌پراکنی تحقیقات به وضوح نشان می‌دهند و تقریباً همه معیارهای DSM-V این ادعا را ثابت می‌کنند که ترول‌های اینترنتی با افرادی که دارای اختلال شخصیتی هستند، شباهتهایی دارند. آیا یک نفرت‌پراکن توانایی‌های متعارفی دارد و آیا این رفتارهای مقاومتی از آن افرادی سر می‌زند که بیش از اندازه درگیر کارکردهای عاطفی یا توهمی هستند، زیرا می‌خواهند در هر چیزی بهترین باشند و در نهایت هم در هیچ موضوعی بهترین نمی‌شوند. به عبارت دیگر می‌توان گفت این علائم عصبی و روانی می‌توانند نتیجه شکست آن‌ها در انتخابی باشد که آنان می‌خواهند زندگی را به‌عنوان یک فرد عاطفی یا درحقیقت به‌عنوان یک فرد متوهم پیش ببرند و نمی‌توانند.<sup>۳</sup>

به نظر می‌آید که این نمونه‌ها، توضیحاتی را برای جرائم سایبری ارائه و با ریشه روان‌شناسی قادر باشند با نمونه‌های متغیرهای بیولوژیکی پیوند داده شده تا در خدمت چارچوب فرا نظریه‌ای ژنتیکی - اجتماعی قرار بگیرند. مانند ارتباط میان ترولینگ نفرت‌پراکنی با DSM-V و اعمال مجرمان آفلاین یا ارتباط میان بلوغ در نوجوانان و رشدنیافتگی قشر پیش پیشانی مغز.

این‌طور نیست که همه ترولرهای نفرت‌پراکن از میان نوجوانان باشند. درواقع نمونه‌هایی نیز از مجرمان فعال هستند که از نظر

سنی بسیار بزرگ‌تر از این نوجوانان هستند، اما در هر صورت بخش قابل توجهی از ترولرها را نوجوانان تشکیل می‌دهند. ممکن است که بتوانیم متغیرهای بیولوژیکی یا حداقل بخشی از آن متغیرها را در توضیحات عصب‌شناسی به‌کار ببریم که در رفتارهای تکانشی دیده شده و در ترولرهای نوجوان مشاهده می‌شوند. بخش قشری پیش پیشانی مغز انسان تا اوایل دهه ۲۰ سالگی به‌طور کامل رشد نکرده و باعث ایجاد رفتارهای تکانشی در نوجوانان می‌شود. محققین در سال ۲۰۱۴ تحقیقی را بر روی ژن‌های MAO-A و 13CH H انجام داده و آن‌ها را با رفتارهای خشونت‌آمیز ربط داده‌اند. ارتباطات میان ژن MAO-A و رفتار خشونت‌آمیز برای اولین بار در ۱۹۹۳ در کشور هلند و از طریق یک‌سری مطالعات خانوادگی تشخیص داده شد. در این تحقیق، مردانی مورد مطالعه قرار گرفتند که تمایل داشتند تا رفتارهای انحرافی را به شکلی خشونت‌آمیز بروز دهند، مانند رفتارهای تهدیدآمیز تکانشی، حریق عمدی، اقدام به تجاوز و سایر انحرافات جنسی. مشخص شد که هشت نفر از مردانی که مورد آزمایش قرار گرفتند، در بدن خود شکل غیرمتعارفی از ژن‌های MAO-A را داشتند. به این شکل که یک جهش سلولی در تولیدکننده آنزیم MAO-A، آن را در نیمه راه متوقف کرده و فرایند اثرگذاری آن را بی‌اثر ساخته بود، در نتیجه نقصی در رشد انتقال‌دهنده‌های عصبی ایجاد می‌شد که باعث می‌گردید که شخص رفتارهای پرخاشگرانه‌ای در زمینه‌های اجتماعی از خود نشان دهد. محققان در بررسی‌های اخیر تیپ ژنتیکی MAO-A و 13CD H را در میان زندانیان فنلاندی مورد آزمایش قرار دادند. همگی آن بررسی‌ها نشان دادند که اغلب جرائم خشونت‌آمیز، توسط گروه‌های کوچکی از مجرمان انجام می‌شود که رفتارهای ضداجتماعی و تکرارشونده دارند، اما پیش از این بررسی هیچ‌گونه ارتباط ژنتیکی با رفتارهای خشونت‌آمیز تکرارشونده یا رفتارهای شدیداً خشن مانند دیگرکشی شناخته شده نبود. با این وجود نتیجه دو مدل بررسی که توسط دو گروه مستقل درخصوص زندانیان فنلاندی صورت گرفت، نشان دادند که فعالیت حداقلی تیپ ژنی اکسیداز مونوآمین MAO A که منجر به کاهش ترشح دوپامین می‌شود و ژن 13CD H که دستور چسبندگی غشای عصبی پروتئین‌ها را صادر می‌کند، با رفتارهای شدیداً خشونت‌آمیز حداقل ده مورد دگرکشی، تلاش برای خودکشی یا ضرب و جرح ارتباط دارند. آنان دریافتند که هیچ علامت مهمی درخصوص اندازه MAO-

<sup>۱</sup> - نسخه پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی است که توسط انجمن روان‌پزشکی آمریکا منتشر شده است و درواقع یک راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی است.

<sup>۲</sup> - وضعیتی روانی است که در آن، در جایی که اشخاص از نظرها پنهان هستند یا توجهی به آن‌ها نمی‌شود، مقیدهای درونی‌شان را از دست می‌دهند و به‌عنوان بخشی از وضعیت محو شخصیتی، کاهش حس خودهویتی و کاهش کنترل بر خود در رفتار ترول نفرت‌پراکن شناخته می‌شود.

<sup>۳</sup> - البته این وضعیت متوجه نفرت‌پراکن نیست بلکه بیشتر نتیجه واقعیت جامعه قرن بیستمی است که انتظاراتی بیش از حد و از نظر تاریخی منحصربه‌فرد بر دوش مردم اجتماع گذاشته است. آقای بیشاپ، عصب‌شناس در جستجوی راه‌حلی است که کاربردی پایدار داشته باشد و این اتفاقات را احتمالاً از منظر یک دانشمند عصب‌شناس اجباری برای تکامل مغز می‌داند.

فعالیت سلول‌های سفید یا لنف یاخته‌ها را کاهش می‌دهد.<sup>۳</sup> این متغیر بیولوژیکی که همان نقش سطح کورتیزول در رفتارهای مجرمانه خشونت‌آمیز است، می‌تواند برای نظریه‌پردازی روش‌شناسانه و چندعلتی جرائم سایبری مورد توجه قرار گیرد. محتمل است که رفتارهای برخی از مجرمان یا حداقل بخشی از رفتار آن‌ها با سطح کورتیزول موجود در بدن آن‌ها مرتبط باشد. جرم ممکن است در ساختاری شکل گرفته باشد که ماهیتی اجتماعی دارد، معنی دیگر آن این است که شرایط محیط پیرامون، این پتانسیل را دارد که تمایلات فیزیولوژیکی را به‌نحوی به‌کارگیرند که برانگیزنده رفتارهای مجرمانه شود. با این وجود این موضوع به این معنی نیست که هر رفتاری را باید یک عکس‌العمل ذاتی دانست که در شخص به میراث مانده است یا یک نسخه از پیش نوشته شده است که خارج از توانایی کنترل انسانی است.

چارچوب ژنتیکی - اجتماعی از واژه عاملیت - نورون استفاده می‌کند تا تأثیر نورون‌های عصبی بر عاملیت انسانی را مورد تأکید قرار دهد، اما لازم است بدانیم انسان‌ها، افرادی انعطاف‌پذیر هستند که این اختیار را دارند تا در جایی که معتقدند که رفتار آن‌ها به دیگران آسیب رسانده و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را نقض می‌کند و یا در جایی که متوجه می‌شوند که تبعات منفی رفتارشان بر پاداش‌ها فزونی می‌یابند، از آن اقدام مجرمانه صرف‌نظر کنند. در کلیت، عاملیت نه‌تنها از اخلاقیات و یا استدلال‌ها تأثیر می‌گیرد، بلکه متغیرهای ارثی و فطری هم بر آن تأثیر می‌گذارند. یک تکانش تمایلی که نتیجه رشدنیافتگی قشر پیش پیشانی باشد یا نتیجه اختلال شخصیتی غیراجتماعی و یا به‌دلیل زندگی‌نامه روان‌کاوانه‌ای که نشان از یک ویژگی منحصربه‌فرد ضداجتماعی دارد، ممکن است مناسب هیچ‌کدام از انواع نوع‌شناسی موجود نباشد، هرکدام می‌توانند میلی در عامل ایجاد کنند تا تصمیمی بگیرد که احتمالاً یک رفتار مجرمانه بوده و براساس همان رفتار نیز عمل کند. در نظریه‌پردازی ژنتیکی - اجتماعی هر دو مفهوم متغیرهای

A یا 13CD H در میان مجرمینی که رفتارهای آن‌ها خشونت‌آمیز نبود، مشاهده نشد که نشان‌دهنده آن است که یافته‌ها مشخصاً به رفتارهای خشونت‌آمیز مربوط می‌شوند و رفتارهای مجرمانه استفاده از داروهای روان‌گردان یا اختلالات شخصیتی ضداجتماعی را دربر نمی‌گیرند. برای محققین این نتیجه‌ها نشانگر آن هستند که متابولیسم پایین مونوآمین و عملکرد ناقص غشای عصبی، ازجمله عواملی هستند که می‌توانند در سبب و اثرشناسی جرم و رفتارهای خشونت‌آمیز نقش داشته باشند. مطالعات زمینه‌های جرائم سایبری را پوشش نمی‌دهد، اما امکان دارد که برخی از مجرمانی که مرتکب خشونت‌های سایبری شدیدی مانند نفرت‌پراکنی ترولینگ، رفتارهای تحقیرکننده سایبری و تروریسم سایبری می‌شوند، عملاً دچار چنین اختلال‌هایی در تیپ‌های ژنتیکی خود باشند. چارچوب ژنتیکی - اجتماعی براساس این اعتقاد بنا شده است که پرورش به ژنتیک وابستگی دارد و ژن‌ها نیازمند پرورش هستند. این ژن‌ها هستند که پیش‌فرض‌های ساختارهای گسترده مغز انسان خردمند را بنا می‌گذارند، تجربیات را شکل می‌دهند، به اشارات اجتماعی پاسخ می‌دهند و همچنین می‌توانند به‌دلیل رفتارهایی که به شکل ارادی انجام می‌شوند و یا به‌دلیل شبیه‌سازی با محیط پیرامونی صورت می‌گیرد، فعال شوند. به‌عنوان مثال، جهان خارج می‌تواند با اتفاقاتی تهدیدآمیز یا ایجاد محرومیت‌ها و نظایر آن اضطراب بیافریند. اضطراب‌های کوتاه‌مدت باعث افزایش فوری تولید هورمون‌های نوراپی‌نفرین<sup>۲</sup> و اپی‌نفرین می‌شوند، یعنی آن هورمون‌هایی که مسؤول افزایش ضربان قلب هستند و بدن انسان را برای شرایط اضطراری، آماده نبرد یا گریز می‌کنند. اضطراب‌هایی که دوره زمانی طولانی‌تری دارند، ممکن است منجر به فعال‌سازی راه‌کارهایی شوند که هورمون کورتیزول را کاهش می‌دهند، اما این هورمون در بدن پیوسته حضور داشته باشد. هورمون کورتیزول می‌تواند سیستم دفاعی بدن را تحت فشار بگذارد. بنابراین آن افرادی که نشانه‌هایی از استرس را بروز می‌دهند احتمال بیشتری هم دارد که بیمار شوند، زیرا کورتیزول تعداد و

<sup>۱</sup> - مانند تلاش‌های فزاینده‌ای که هکرهای ISIS برای حمله به اهداف خود مرتکب می‌شوند و در برخی موارد باعث می‌شوند که آن هدف به‌طور کامل از کار بیافتد.

<sup>۲</sup> - سطح افزایش‌یافته نوراپی‌نفرین با رفتارهای مجرمانه شدید ارتباط دارد. افزایش سطح نوراپی‌نفرین در پلاسما می‌تواند منجر به ایجاد تحریک‌پذیری و ارتکاب رفتارهای تهاجمی بشود. به‌همین شکل، عاملی که سلول دریافت‌کننده نوراپی‌نفرین را مسدود می‌کند نیز می‌تواند رفتارهای خصمانه را کاهش دهد.

<sup>۳</sup> - کورتیزول این عمل را با فعال‌سازی ژن‌ها انجام می‌دهد و فقط آن ژن‌هایی را در سلول‌ها فعال می‌کند که به دریافت‌کننده‌های کورتیزول مجهز باشند که به نوبه خود به‌دلیل شبیه‌سازی‌های محیط پیرامونی، مانند اضطراب ناشی از محرومیت‌ها فعال شده‌اند. کورتیزول در همان وهله اول ترشح می‌شود، زیرا یک گروه از ژن‌ها، مانند 17CYP در بخش قشری غدد فوق کلیوی، آنزیم‌های لازم برای ساختن کورتیزول را تولید می‌کنند.

هستی‌شناسانه توجه دارد و براساس کلی‌نگری روش‌شناسانه نیز بنا شده است. قصد ما این است که بتوانیم ساختار نظریه ماهوی و پژوهش‌های زمینه‌های تجربی را شکل داده و احتمالاً آن‌ها را بهبود نیز ببخشیم. با استفاده از مدل پیش‌بینی سببی انعطاف‌پذیر<sup>۱</sup>، پژوهشگر قادر خواهد بود تا تصویری از محتمل‌ترین ترکیب‌های متغیرهایی که می‌توانند خشونت‌های سایبری و بزه‌کاران شخصی را توصیف کنند، به‌دست آورد. در اینجا هدف این است که به شکلی محتاطانه به راه‌هایی اشاره کنیم که ممکن است بتوانند رویکردهایی را در اختیار افرادی قرار دهد که مایل هستند برای خشونت‌های سایبری مفهوم‌سازی کرده و احتمالاً برای کاهش آن تلاش کنند، مانند ضابطین قضایی و همچنین نیاز داریم تا تعریف دامنه خشونت سایبری را گسترش دهیم تا طیفی بسیار وسیع‌تر از رفتارهای و خشونت‌آمیز و تهاجمی در فضای سایبری را دربر گیرد.

## ۲- تبیین و کاربرد چارچوب ژنتیکی - اجتماعی در خصوص نظریات مرتبط با خشونت

موضوعی که قابل توجه است، این است که این چارچوب اخیراً در نظریه جرم‌شناسی اوون در سال ۲۰۱۴ نیز اعمال شده است، آثاری مانند «جرم‌شناسی مجازی در سال ۲۰۱۵» و نیز «خشونت مجازی و آزار سایبری در سال ۲۰۱۶» این مفهوم مورد استفاده قرار گرفته است. هدف این است که نشان دهیم چگونه این چارچوب اعمال و چگونه می‌توان نظریه‌پردازی‌های جرم‌شناسی را نه فقط در ارتباط با جرایم اینترنتی مورد بررسی قرار داد. در این راستا ما در وهله اول باید به آنچه نظریه‌پردازی جرم‌شناسی باید از آن اجتناب کند، بپردازیم. این امر مستلزم بررسی آخرین تجسم چارچوب فرانتوریکی ژنتیکی - اجتماعی است. در ادامه همه اشکال استدلال‌ات نظری در این خصوص را بیان خواهیم کرد.

### ۲-۱- ذات‌گرایی (خشونت ذاتی)

نوعی نظریه‌پردازی است که در آن فرض را بر اتحاد و همگنی پدیده‌های اجتماعی قرار می‌دهد، مانند قانون یا برخی از نهادهای اجتماعی دیگر یا مجموعه‌هایی از طبقه‌بندی‌ها مانند زنان یا سفیدپوستان یا تقسیم‌بندی موردی از جامعه مانند طبقه محروم جامعه یا افرادی که مرتکب خشونت سایبری می‌شوند که اخیراً توسط اتحادیه ارتباطات بین‌المللی شناسایی شده است.

بیولوژیکی زندگی‌نامه روانکاوانه منحصربه‌فرد را باید به‌عنوان یک عامل در درون توصیفات چندعاملی جرم‌شناسی و رفتارهای مجرمانه قرارداد و سپس آن را به نقدهای عاملیت - نورو و ساختار، زمان - فضا، اندیشه‌های اصلاحی قدرت فوکو و سایر فرامفاهیم تبیین‌شده اضافه نمود. رفتارهایی مانند خشونت‌های سایبری نیاز به یک عامل انسانی دارد که در محیط اقدام به رفتاری کند و در این مورد، این محیط همان فضای سایبری است. این عامل انسانی را می‌توان محصولی از ترکیب ژن‌ها دانست که تحت تأثیر اتفاقات خارجی، عاملیت - نورو و تجربیات قرار گرفته و مجبور شده است تا سیستم عصبی درونی درهم‌تنیده‌ای را بسازد. مرتکب می‌تواند به‌عنوان یک موجود هشیار و دارای حس باشد که توانایی آن را دارد که تصمیم‌گیری نموده و براساس آن اقدام کند. به نظر می‌رسد بتوان از این چارچوب برای ساخت ابزاری تحلیلی استفاده کرد که مناسب بررسی جرائم سایبری باشد. لازم است که تعریف مضیق ارائه‌شده از سوی اتحادیه بین‌المللی مخابرات در خصوص جرائم سایبری را توسعه دهیم تا طیف گسترده‌تری از پدیده‌های خشونت‌آمیز مانند موارد فوق، به‌علاوه خشونت‌هایی که مشخصاً زنان و دختران را هدف می‌گیرد، پوشش داده شوند. برای درک این روش، می‌توانیم متغیرهای بیولوژیکی و کورتیزول را هنگام خشونت یا نقش رشدنیافتگی قشر مغزی پیش‌پیشانی نوجوانان در تکانش‌ها و یا اهمیت تیپ ژنی CD 13H و MAO-A در خشونت مورد بررسی قرار دهیم. زندگی‌نامه روانکاوانه به یک ویژگی منحصربه‌فرد ضداجتماعی مانند برخی تمایلات و برخی رفتارها اشاره دارد که ممکن است مناسب هیچ‌کدام از نوع‌شناسی‌های موجود نباشند. در سایر نمونه‌ها، رفتار مجرمانه ممکن است با الگوهای رفتاری ترکیب شود که برای زیرگروه‌هایی که مجرم به آن‌ها تعلق دارند، متعارف به نظر برسند. ازجمله اختلالاتی که در زیر چتر زندگی‌نامه روانکاوانه جای می‌گیرند، می‌توان به ماکیاول‌گرایی، سادیسیم و روان‌پریشی اشاره کرد. اگر قرار بود که ما از رویکرد ژنتیکی - اجتماعی برای تحلیل خشونت‌های سایبری استفاده کنیم، نیاز داشتیم که دقیقاً به خاطر بسپاریم که چارچوب فرانتوریکی روش‌شناسانه‌ای که به چنین رویکردی شکل می‌دهد، نگرش‌های ضدتقلیل‌گرایی داشته و مخالف ساده‌سازی و توصیف‌های یگانه برای پدیده‌های پیچیده است، اما در اینجا ما از فرانتوریکی استفاده می‌کنیم که صرفاً به سؤالات

یک متغیر تجربی برای تحقیقات در نظر نگرفته‌اند و به جای آن یک واحد ذاتی از پدیده‌های مورد بررسی بر مبنای نظری یا سیاسی مورد توجه قرار می‌دهند. برای مثال در اینجا پدیده پدرسالاری می‌تواند مدنظر قرار گیرد. این امر به وضوح با نتیجه‌ای از دیدگاه تقلیل‌گرایی مرتبط است و مانند تقلیل‌گرایی، ذات‌گرایی ممکن است شکل مبدل پیدا کند. به‌عنوان مثال هنگامی که مردان به‌عنوان مقوله‌های اجتماعی توصیف می‌شوند، اگرچه ممکن است تصدیق شود که از برخی جهات در داخل تقسیم شده‌اند، اما در نهایت داشتن یک اشتراک غالب در معنای مرد سالاری تلقی می‌شود که از همه عضویت‌ها یا وابستگی‌های دیگر فراتر می‌رود. وحدانیت به جای اینکه یک اثر ضروری از کلیت اجتماعی در نظریه‌پردازی جرم‌شناسی محسوب شود، باید به‌عنوان یک نتیجه احتمالی نوظهور و احتمالاً موقتی فرآیندهای اجتماعی در نظر گرفته شود، اگرچه ذات‌گرایی مرتبط با تقلیل‌گرایی است، اما جهت آن بیشتر متمایل به نوعی از مفهوم تقلیل‌گرایی است که به مجموعه‌ای از طبقه‌بندی‌ها اشاره دارد. برای مثال طبقه‌بندی زنان - یک دسته نسبتاً همگن هستند که متشکل از افرادی است که منافع کم‌وبیش مشترک (و عینی) دارند که به دلیل موقعیت ساختاری آن‌ها در مجموعه‌ای از طبقه‌بندی قرار می‌گیرند. **گونداد لورنس**، اندیشمند و محقق دیدگاهی شبیه خشونت ذاتی دارد که منشأ خشونت انسانی را غریزه جنگ‌طلبی می‌داند. به اعتقاد او این غریزه در طی دوره تکاملی انسان توسعه می‌یابد و علت این امر سودمندی خشونت برای بقای انسان می‌باشد (فتاحیان، ۱۳۹۶: ۳۳).

## ۲-۲- جبری بودن ژنتیک

یک فرضیه قابل قبول در گذشته ادعا می‌کرد تأثیر ژنتیک بر رفتار ناچیز است یا اصلاً وجود ندارد. با این حال برخی محققین با توجه به مطالعات انجام‌شده در زمینه ژنتیک رفتار که شواهد مؤثری مبنی بر اینکه ژن‌ها بر رفتار تأثیر می‌گذارند، ارائه می‌دهد. همانطور که **ریدلی** با توسل به جامعه‌پذیری استدلال می‌کند از جبرگرایی فراری نیست، زیرا آثار یا دارای علل هستند یا نیستند.<sup>۴</sup> در هیچ زمانی **ریدلی** استدلال نمی‌کند که همه‌چیز

استفاده از اصطلاح ماهیت‌گرایی در اینجا برای نشان دادن انتساب غلط همگن نسبت به پدیده‌های اجتماعی براساس یک پیش‌فرض قبلی است. برای مثال استفاده از این اصطلاح زمانی است که به این سؤال پاسخ دهد آیا چنین دسته‌بندی‌های مربوط به پدیده‌های اجتماعی همانند زنان دارای یک ذات واقعی است یا اینکه دارای یک ساختار اجتماعی مانند است؟ برخی از اندیشه‌های **میشل فوکو**<sup>۱</sup> نشان از ذات‌گرایی دارد. برای مثال **فوکو** مفهوم ساختار ناخودآگاه همگانی **لوی اشتراوس**<sup>۲</sup> را نپذیرفت. **فوکو** به جای آن پیشنهاد می‌کند که قوانین و دستورالعمل‌های ناخودآگاه ادارک حقیقی را می‌سازند و این موضوع است که با گفت‌مان‌ها در ارتباط است. ادراک حقیقی به عنوان موضوعی که یک امر مطلق یا همگانی باشد در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یک ویژگی خاص جوامع محسوب می‌شود. معمولاً سیاست‌های متناقض و متقابل زیادی از حقیقت در یک جامعه وجود دارد. مسأله‌ای که در تئوری کل‌نگرانه **فوکو** وجود دارد، این است که این فرضیه نتوانسته است ناپیوستگی‌های بین حوزه‌های کلان‌شناختی و رفتارهای نابهنجار ناچیز دنیای اجتماعی را مورد توجه قرار دهد و آن را تصدیق نماید، این امر منجر به ایجاد دیدگاهی می‌شود که افراد را از زمینه‌های متعدد شبکه‌های ارتباطی (اغلب متناقض) متعلق به آن‌ها خارج می‌سازد و ناهمگنی و پیچیدگی را در نقطه ابهام فرو برد، چون مسیر ماندگاری در تاریخ وجود ندارد، معانی مرتبط با یک دوره خاص ممکن است حاصل وقایع و رخداد‌های آن دوره و تنازع بین افراد آن زمان باشد. عناصر استفاده‌شده در تحلیل و بررسی‌های فوکویی به سمت کل‌گرایی و ماهیت‌گرایی پیش رفته است، درحالی‌که انتقاد او از مفهوم‌پردازی مدرنیسم ناهمگن و متفاوت است. استدلالات مبتنی بر ذات‌گرایی در آثار برخی از جرم‌شناسان فمینیستی<sup>۳</sup> نیز مشاهده شده است. به نظر می‌رسد چنین نظریه‌پردازی سطح همگنی یا ناهمگنی مربوط به پدیده‌های اجتماعی را به عنوان

<sup>۱</sup> - **میشل فوکو** از متفکران بین‌رشته‌ای معاصر محسوب می‌شود که گستردگی و پرمایه‌بودن را در آثار او می‌توان یافت. به دلیل گستردگی دامنه آثار وی، تفسیرهای متعدد و متنوعی از آثار وی صورت گرفته که این تفسیرها باعث شده که آراء و اندیشه‌های **فوکو** از چشم‌اندازهای متفاوتی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

<sup>۲</sup> - Levi Strauss

<sup>۳</sup> - چگونگی تأثیرپذیرفتن جنبش کنترل بارداری غربی از اندیشه‌های نژادپرستانه گالتونی و بیان سیاسی آن‌ها اشاره دارد، علاوه بر اینکه چگونه ممکن است این جنبش به‌عنوان یک جنبش ریشه‌ای تلقی شود که زنان را قادر می‌سازد تا برای محافظت از سلامتی خود از فرزندان خود فاصله بگیرند.

<sup>۴</sup> - اگر به‌خاطر اتفاقاتی که در جوانی برایم افتاده، ترسو باشم، تأثیر آن واقعه کمتر از تأثیر ژن ترسو بودن نیست، اشتباه بزرگ‌تر در اینجا این نیست که جبرگرایی را با ژن‌ها برابر بدانیم، بلکه اشتباه اینجاست که جبرگرایی را با اجتناب‌ناپذیر بودن یکی بدانیم. شما نمی‌توانید از نظر بیولوژیکی طبیعت انسان را تغییر دهید، الفا و امگا از

نیاز به یک موجود زنده در یک محیط دارد، بنابراین ارگانیسم ممکن است به‌عنوان محصول بسیاری از ژن‌ها در نظر گرفته شود که برای ایجاد یک سیستم عصبی در داخل ارگانیسم که سازنده رفتار است، نیاز است.

### ۲-۳- متغیر زیستی

متغیر زیستی شاید مهم‌ترین و اصلی‌ترین فرامفهوم علاوه بر چارچوب ژنتیک - اجتماعی باشد که بر ایده خشونت سایبری تأکید کرده است. اگر چنین دانش ژنتیکی به‌درستی کنترل نشود و در بافت مناسب و بیولوژیکی دیده شود، ممکن است منجر به تولید اطلاعات شود که زمینه‌های جدید تبعیض را ممکن می‌سازد. بزرگ‌ترین ترس این است که پیشرفت در بیوتکنولوژی انسان ممکن است منجر به گرایشی به‌صورت تعریف خودمان در شرایط ژنتیکی شود. ممکن است پیچیدگی و غنای کل زندگی را به‌طور کامل از دست بدهیم. متغیر زیستی باید به‌عنوان نقشی در علیت به رسمیت شناخته شود، اما به همان اندازه نقشی برای محیط زیست ایفاء می‌کند، به این معنی که ژن‌ها براساس متغیرهای اجتماعی تغییر می‌کنند. اذعان به یک جزء ژنتیکی به علیت، مستلزم معنای جبرگرایی ژنتیکی نیست. به تازگی این متغیر در مطالعه جرائم مردانه به‌کار گرفته است و تئوری‌های مردانگی را در رقابت با جرم و خشونت بررسی می‌کند. آنالیز مردانگی و جرم ممکن است شامل جنبه‌های اجتماعی فرد از قبیل خلق و خوی، تغییر در چارچوب ژنتیکی - اجتماعی برای پذیرش روابط بین ژن‌ها و محیط زیست باشد.

این ایده به‌عنوان یک رویکرد بر یادگیری هنجارها برای رفتار تأکید شده است و در حوزه‌های اجتماعی، از جمله مطالعات آموزشی محبوب بوده است. با این حال، نظریه نقش جنسیتی برای درک قدرت و ابعاد اقتصادی در جنسیت کافی نیست. علاوه بر این نقش جنسیتی مرد بیشتر مردان همجنس‌گرا را نادیده گرفته و کمتر درباره نژاد و قومیت صحبت می‌کنند. نظریه نقش جنسیتی مشکلی اساسی دارد.

### ۲-۴- روانکاوی زندگی‌نامه روان‌شناختی (سایکوبیوگرافی)

انسان‌ها از عناصر منحصر به فرد شناخت، احساسات و رفتار تشکیل شده‌اند که به نوعی از دنیای اجتماعی قابل تفکیک هستند و در عین حال به طرق مختلف با شرایط و تجربیات اجتماعی مرتبط هستند. مسلماً گنجاندن مفاهیم روانکاوی

کاملاً ژنتیکی است، او در واقع تصدیق می‌کند که حتی پس از کشفیات روان‌شناسی تکاملی و ژنتیک رفتاری مربوط به تأثیر ژن‌ها بر رفتار، محیط هنوز هم بسیار مهم است و در کل احتمالاً تأثیرش در همه رفتارها از ژن‌ها مهم‌تر است. شافنر<sup>۱</sup> که در سال ۲۰۰۲ در مورد جبرگرایی ژنتیک، محیط مباحثی را مطرح می‌کند که بسیار شبیه به مدل طبیعت از طریق تربیت ریذلی است. با این حال می‌توان استدلال کرد که شافنر زمانی که مقاله‌اش را در خصوص نقد جبرگرایی ژنتیکی ارائه می‌دهد درگیر در جبرگرایی می‌شود. به یک معنا شافنر نیازی به جبرگرایی محیطی - ژنتیکی به‌عنوان جایگزینی برای جبرگرایی ژنتیکی ندارد، زیرا ریذلی نشان داده است که چگونه علیت‌گرایی ژنتیکی همواره همراه با تأثیرات محیطی کار می‌کند. طبیعت به ژن‌ها نیاز دارد و ژن‌ها به فعال شدن نیاز دارند. شافنر به‌طور شگفت‌آوری میزان قابل توجهی از تحقیقات علمی و فلسفی طی صد سال گذشته را در خصوص تقلیل‌گرایی معطوف کرده است. وی به تقلیل‌گرایی در زمینه پروژه ژنوم انسان<sup>۲</sup> اشاره می‌کند و این مفهوم را با مفهوم جبرگرایی ژنتیکی تداعی می‌کند. منظور شافنر از «جبرگرایی ژنتیکی» این است که ژن‌های موروثی محرک‌های اصلی رفتار موجودات هستند. وی میزان وجود توضیحات صرف و حتی اولیه ژنتیکی در مورد رفتار را بررسی می‌کند.

اریک کندل، جیمز شوارتز و توماس جسل در کتاب اصول علوم عصبی<sup>۳</sup> بیان می‌کنند که رفتار در همه موجودات از تعامل ژن‌ها و محیط شکل می‌گیرد. اهمیت نسبی این دو متغیر متفاوت است، اما حتی کلیشه‌ای‌ترین رفتار را می‌توان براساس محیط تغییر داد و منعطف‌ترین رفتارها (مانند زبان) تحت تأثیر عوامل ذاتی است. بنابراین اصل ناقص بودن هرگونه مبنای ژنتیکی برای توضیح رفتار، به‌عنوان یک فرض مهم در جامعه علمی تلقی می‌شود. جستجو برای توضیحات ژنتیکی منفرد و خاص برای رفتار ممکن است به‌عنوان قوی‌ترین برنامه‌های ژنتیکی شناخته شود، اما این مفهوم بی‌ربط به نظر می‌رسد. هر رفتاری

شرایط و ویژگی‌های انسان است، اما پذیرش این معادله جبرگرایی برابر با تقدیرگرایی که یک مغالطه است.

<sup>۱</sup> - استاد علوم پزشکی انسان در دانشگاه جورج واشنگتن ایالات متحده آمریکا.

<sup>۲</sup> - Human Genome Project

<sup>۳</sup> - این کتاب مروری جامع در حوزه علوم اعصاب ارائه شده است و موضوعاتی مانند ساختار و عملکرد سیستم عصبی، رشد مغز، سیستم‌های حسی و حرکتی، یادگیری و حافظه و اختلالات عصبی و روان‌پزشکی را دربر می‌گیرد.



جسمی و روانی شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، شغل، نژاد، طبقه اجتماعی، ترجیحات جنسی و .. به‌علاوه مقدار مشخصی حدس و گمان به‌دست آمده است. مجرمان جنایی از طریق اقدامات مجرمانه خود شواهدی از شخصیت خود باقی خواهند گذاشت. رفتار مجرمان فردی ویژگی‌های منحصره‌فرد آن شخص را نشان می‌دهد، همراه با الگوهای رفتاری که معمولاً برای گروهی است که به آن تعلق دارند. آیا می‌توانیم یک تصویر اصلاح‌شده از روان‌کاوی زندگی‌نامه روان‌شناختی را در موضوع تجزیه و تحلیل رفتار توصیف‌شده اعمال کنیم؟ (منحصربه‌فرد بودن برخی رفتارهای شخصی منعکس‌کننده مفاهیم روان‌کاوی زندگی‌نامه روان‌شناختی، جنبه‌های منحصره‌فرد و اجتماعی فرد مانند تمایلات). سازمان‌های مجری قانون در سراسر جهان متوجه شده‌اند که آن‌ها نیاز به توسعه سیستم‌های پیچیده جمع‌آوری اطلاعات دارند که می‌تواند سوابق سازمان‌های مختلف را هماهنگ، تجزیه و تحلیل و بررسی کند و الگوهای کشتار سریالی اولیه را شناسایی کند. اذعان به اینکه سایکوبیوگرافی زندگی اجتماعی نقش مهمی در رفتار انسان ایفا می‌کند، هرگونه تلاش برای شناسایی و تجزیه و تحلیل چنین الگوهای رفتاری را تقویت می‌کند، به‌ویژه این ایده مهم که سایکوبیوگرافی متقابل و شکل‌پذیری روابط بین تأثیرات ژنتیکی و محیطی را دربر می‌گیرد. اخیراً محققین مفهوم سایکوبیوگرافی را در مفهوم خشونت سایبری به‌کار برده که سبب آن شده تا تعریف اصلی این اصطلاح گسترده‌تر شود تا به طیف وسیعی از رفتارهای خصمانه و پرخاشگرانه آنلاین اشاره داشته باشد.

استدلال می‌شد که سایکوبیوگرافی فردی، منحصره‌فرد، اجتماعی و موروثی می‌تواند در خشونت سایبری نقش داشته باشد، در کنار سایر متغیرهای احتمالی مانند اختلال شخصیت ضداجتماعی که اگر بخواهیم متغیرهای اخیر را با بینش‌هایی از اثر بازدارندگی و شواهدی از ژنتیک رفتاری و علوم اعصاب ترکیب کنیم، به نتایج مهم‌تری دست پیدا خواهیم کرد. با این حال، ممکن است بتوان از چارچوب ژنتیک - اجتماع به‌عنوان یک ابزار مفهومی و از ساختارهای منتخب مانند سایکوبیوگرافی برای اشکال منتخب خشونت سایبری مانند نفرت‌یافتن استفاده کرد؛ در مورد دوم، ما ممکن است این احتمال را در نظر بگیریم که درصدی از ترول‌های نفرت‌انگیز نوجوان هستند و به‌همین دلیل احتمال بیشتری دارد که رفتارهای تکانشی داشته باشند.

زندگی‌نامه روان‌شناختی منحصره‌فرد اجتماعی در تجزیه و تحلیل مردانگی و به‌ویژه جنسیت مردان در رابطه با خشونت و جنایت مفید خواهد بود. عناصر اجتماعی از دنیای اجتماعی قابل تفکیک و درعین‌حال با آن مرتبط هستند. به نظر می‌رسد این شکل از استدلال نظری با رویکرد ژنتیک - اجتماع که در اینجا مورد نظر است، اشتراکات زیادی دارد. جامعه چندوجهی است، نسبتاً نامشخص است و پیش‌بینی آن دشوار است. این رویکرد فرانتزوی شبیه به چارچوب اولیه و ضدتقلیل‌گرایانه زیبون است، زیرا از توضیحات واحد و تقلیل‌گرایانه اجتناب می‌کند و با ایده دوگانگی ساختار و درواقع هرگونه تلاشی برای فروپاشی تمایز بین ساختار نمایندگی، خرد و کلان و ... مخالف است.

**مک لاگین (۲۰۱۳)** از پدیده‌های قتل زنجیره‌ای به‌عنوان قتل‌های ناگهانی معمولاً توسط مردان یاد می‌کند که اغلب بی‌انگیزه به نظر می‌رسند و درواقع نوعی خشونت آنی است. خوشبختانه، چنین قتل‌هایی نسبتاً نادر است. به نظر می‌رسد که جرم‌شناسان به اجماع گسترده‌ای رسیده‌اند مبنی بر اینکه قاتلان زنجیره‌ای با قاتلان عادی تک‌حادثه و سایر قاتلان متعدد، مانند قاتلان دسته‌جمعی و قاتلان جنایتکار متفاوت هستند. قاتل زنجیره‌ای تمایل دارد جنبه‌های مشخصی را به نمایش بگذارد. قتل‌ها تکراری یا سریالی هستند و تا دستگیری قاتل ادامه خواهد داشت. به نظر می‌رسد اکثر قاتلان زنجیره‌ای ترجیح می‌دهند به‌تنهایی کار کنند که ردیابی آن‌ها را دشوارتر می‌کند. معمولاً ارتباط شخصی کمی بین مرتکب و قربانی وجود دارد. تعداد بسیار کمی از قاتلان سریالی انگیزه‌ای مشخص یا منطقی نشان می‌دهند. افزایش تحرک فضایی و تکه‌تکه‌شدن اجتماعی قاتل زنجیره‌ای را قادر می‌سازد تا ظرفیت کشتار خود را افزایش داده و تشدید کند و اغلب درجه بالایی از خشونت وجود دارد. مطالعات نشان می‌دهد که چهار گونه‌شناسی انگیزشی اصلی در رابطه با قاتلان زنجیره‌ای وجود دارد. این موارد چشم‌اندازهایی هستند که قاتلان ادعا می‌کنند توسط صداهایی هدایت می‌شوند، دستورالعمل‌های دریافت‌شده قتل‌ها را توجیه می‌کنند و مشروعیت می‌بخشد.

محققین با استفاده از تجزیه و تحلیل ویژگی‌های قربانی، گزارش شاهدان و روش قتل، سعی کرده‌اند مشخصات روان‌کاوی زندگی‌نامه روان‌شناختی چنین قاتلان سریالی را بسازند. برآمده از این روند، فهرستی دقیق از ویژگی‌های

نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

**تقدیر و تشکر:** از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را داریم.

**سهم نویسندگان:** نگارش این مقاله براساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسندگان صورت گرفته است.

**تضاد منافع:** این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

### منابع و مأخذ

#### الف. منابع فارسی

- فتاحیان، مریم (۱۳۹۶). «بررسی علل جهانی افزایش خشونت سایبری علیه زنان». *فصلنامه علمی - حقوقی قانون‌یار*، ۳: ۲۹-۴۸.

- کهزادی، محبوبه و کهزادی، معصومه (۱۴۰۰). «بررسی تأثیر فضای مجازی و نقش آن در خشونت علیه زنان در نظام حقوقی ایران و بین‌الملل». *دو فصلنامه بین‌المللی تحقیقات قضایی*، (۲)۱: ۶۵۴-۶۳۱.

- مشهدی، علی؛ شکیب‌نژاد، احسان و کرمی، موسی (۱۳۹۷). «خشونت برخط (آنلاین) علیه زنان از منظر حقوق بین‌الملل بشر». *مجله مطالعات جنسیت و خانواده*، ۶(۲): ۷۱ - ۹۶.

- مظاهری، امیرمسعود؛ علی‌محسنی، رضا و همت‌پور، بهاره (۱۳۹۶). «شناسایی و تبیین جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان در فضای سایبر (مورد مطالعه: زنان ۲۰-۴۵ ساله شهر تهران)». *پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۸(۴): ۱۰۵-۱۳۱.

#### ب. منابع انگلیسی

- Bartlett, J (2015). *The Dark Net*. London: Windmill.

- Buckels, E., et al. (2014). "Trolls Just Want to Have Fun". *Personality and Individual Differences*, 67(9): 97-102.

- International Telecommunications Union. (2015). *Cyber Violence Against Women and Girls: A World-Wide Wake-Up Call. A Report by the UN Broadband Commission for the Digital Development Working Group on Broadband and Gender*. [Withdrawn, November].

آن‌ها ممکن است در برخی موارد، رفتاری از خود نشان دهند که به سایکوبیوگرافی شخصی، اجتماعی و منحصربه‌فرد خود مرتبط است.

### نتیجه‌گیری

خشونت‌های آنلاین همواره برای کسب منفعت خاصی نیستند، بلکه گاهی از روی ناآگاهی انجام و در مواردی ریشه در دورکردن زنان از آن فضا دارند. سلامت زنان دارای مفهومی وسیع بوده و ابعاد آن شامل سلامت جسمی، روانی اجتماعی، فرهنگی و معنوی است. این پدیده تحت تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و بیولوژیک قرار دارد. شبکه‌های مجازی یکی از دستاوردهای عصر ارتباطات و اطلاعات است و ارمغان آن برای جوامع ترکیبی از فرصت‌ها و تهدیدهاست. خشونت سفید یا آنلاین یک ناهنجاری اجتماعی نوظهور است و به نظر می‌رسد آسیب‌های خشونت آنلاین کمتر از دیگر انواع خشونت‌های فیزیکی نیست. به دلیل ماهیت فضای مجازی که امکان انتشار سریع اطلاعات در آن وجود دارد، قربانی معمولاً در موقعیتی قرار می‌گیرد که برایش یک تهدید بالفعل است. جنایت ممکن است از نظر اجتماعی ساخته شود، اما هنوز واقعی وجود دارد که در آن جرم‌شناسان باید اذعان کنند که عوامل بیولوژیکی ممکن است انگیزه‌های ژنتیکی را برای ایجاد رفتارهای جنایتکارانه تغییر دهند. باوجود سایر عوامل اجتماعی و روانی، انسان‌ها تصمیم می‌گیرند در فعالیت‌های مجرمانه مشارکت کنند یا نکنند. این ایده که ذهن محصول مغز انسان، بدن و تعامل با جهان خارج است. مقابله با خشونت سایبری در سطح پیشگیری، تعقیب و مجازات از وظایف بدیهی دولت‌هاست که مطابق با اسناد حقوق بشری است. شاید بتوان گفت از مجموعه نظریات چنین برمی‌آید که هریک از عوامل یادشده به‌تنهایی نه شرط لازم و نه شرط کافی برای بزه‌کاری است. این شروط فقط می‌تواند علامت و زمینه‌ای برای وقوع جرم احتمالی در انسان باشد نه علت وقوع جرم. خشونت علیه زنان در همه ابعادش سلامت جامعه و ارتقای شاخص‌های توسعه پایدار را با چالش روبه‌رو می‌کند. از همین رو تأمین امنیت و تدوین قوانین محکم و بازدارنده از طرف مسؤولان و متولیان امر سبب می‌شود تا این قشر بتوانند در عرصه‌های مختلف فعالیت داشته باشند و به حقوق خود دست یابند.

**ملاحظات اخلاقی:** ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و

- Owen, T & Owen, JA (2015). "Virtual Criminology; Insights from Genetic-Social Science and Heidegger". *Journal of Theoretical and Philosophical Criminology*, 7(1): 17-31.
- Owen, T & Noble, W (2015). *Towards a Genetic-Social Approach to Conflict*. Bolton: Paper Delivered at Learning from Conflict National Conference. Macron Stadium.
- Owen, T & Owen, JA (2015). "Virtual Criminology; Insights from Genetic-Social Science and Heidegger". *Journal of Theoretical and Philosophical Criminology*, 7(1): 17-31.
- Tiihonen, J, et al (2014). "Genetic Background of Extreme Violent Behavior". *Molecular Psychiatry*, 20: 786-792.
- Wade, N (2014). *A Troublesome Inheritance: Genes, Race and History*. London: The Penguin Press.





Volume 4, Issue 1, 2023

## The Connection between Genes and Cyber Violence in Cyberspace and the Violation of Human Rights and Dignity of Individuals with an Emphasis on Online Violence against Women and Girls

Shahrooz Darbandi\*<sup>1</sup>, Sajjad Saanatjou<sup>2</sup>, Maedeh Daghighi<sup>3</sup>

1. PhD Student in Public International Law, Department of Humanities, Qeshm International Unit, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

2. PhD Student in Public International Law, Department of Humanities, Qeshm International Unit, Islamic Azad University, Qeshm, Iran.

3. Phd Student in Public International Law, Department of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages: 75-86**

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0002-9691-7010

**TELL:** +9892019113164

**Email:** shahrooz\_d@yahoo.com

**Article history:**

**Received:** 21 Nov 2022

**Revised:** 02 Jan 2023

**Accepted:** 01 Feb 2023

**Published online:** 21 Mar 2023

**Keywords:**

*Cyberspace, Violence in cyberspace, Human Rights, Dealing with Violence Against Girls and Women in Cyberspace, Genetic-Social Variable.*

### ABSTRACT

Human rights express the rights and freedoms that emphasize the human dignity of people in every society, and the Internet is also a new knowledge for sending, processing, accessing and publishing information with great speed, which provides an endless scope for humanity. has brought the internet sometimes becomes a place for violating human rights and violating moral and human values. One of the most obvious of them is the category of cyber violence or online violence, especially against women and girls, which challenges the dignity and status of women. The right to freedom of expression and the right to privacy are the two basic pillars of the guarantee in order to deal with violence against women. The present research was written based on the descriptive-analytical method and on the basis of documents and library sources, and in this regard, the obtained information was analyzed by studying international documents with a practical purpose. Dealing with cyber violence at the level of prevention, prosecution and punishment is one of the obvious duties of governments in accordance with human rights documents. One of the problems faced by governments in this field is the extraterritoriality of Cybercrimes and the limited jurisdiction of governments in dealing with these crimes. It is possible that the behavior of some criminals or a part of their behavior is related to the level of cortisol in their body.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

**How to Cite This Article:** Darbandi, SH; Saanatjou, S & Daghighi, M (2023). "The Connection between Genes and Cyber Violence in Cyberspace and the Violation of Human Rights and Dignity of Individuals with an Emphasis on Online Violence against Women and Girls". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 4(1): 75-86.